

تأملی بر حمایت از زنان در برابر خشونت در پرتو پروتکل منشور افریقایی حقوق بشر و خلق‌ها راجع به حقوق زنان در افریقا

| علی مشهدی* | دانشیار گروه حقوق بین‌الملل و عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران
| موسی کرمی | دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران
| احسان شکیب‌نژاد | کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران

چکیده

پروتکل منشور افریقایی حقوق بشر و خلق‌ها درخصوص حقوق زنان در افریقا (پروتکل حقوق زنان یا پروتکل ماپوتو) از خلال ارائه تعریفی فراگیر از خشونت علیه زنان و برشماری مصادیق مختلف آن، مقرر داشتن محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، توجه‌داشتن و ممنوع‌سازی آداب و رسوم سنتی آسیب‌زا علیه ایشان، مطمح‌نظر قرار دادن نقش آموزش و مدارس در حذف نگرش‌های تبعیض‌آمیز علیه بانوان، حمایت از زنان در خلال مخاصمات مسلحانه و پشتیبانی از زنان سالمند و تنگدست در برابر تمامی اقسام خشونت و تأکید بر جرم‌انگاری انواع متفاوت خشونت علیه زنان و مجازات مرتکبان آن توسط دولت‌های عضو و انتظام‌بخشی به قوانین ملی، درصدد پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان بر آمده است. پروتکل حقوق زنان، درصورت اجرای کامل و گنجانده شدن در قانون‌گذاری ملی، ابزار کارآمد و مستحکمی را برای حمایت از زنان افریقایی در برابر اشکال گوناگون خشونت به دست می‌دهد. نوشتار حاضر بر آن است تا از رهگذر رهیافتی توصیفی-تحلیلی و با گردآوری منابع به‌صورت کتابخانه‌ای، به این پرسش پاسخ دهد که این سند از زمان تصویب خود تاکنون چه نقشی در مبارزه با خشونت علیه زنان در افریقا داشته است.

واژگان کلیدی: خشونت علیه زنان، منشور افریقایی حقوق بشر و خلق‌ها، پروتکل حقوق زنان، حقوق بشر، تبعیض جنسیتی.

مقدمه

اصل حیثیت و کرامت انسانی^۱ بنیادی‌ترین اصل موضوعی و اصلی‌ترین مبنای حقوق بشری و نظام بین‌الملل حقوق بشر است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۹۰: ۳۷). امروزه رعایت کرامت انسانی و حقوق بشر به‌عنوان سپر پاسداری از این کرامت، از مبانی بنیادین نظم اجتماعی به حساب می‌آید و حکومت‌ها در این خصوص، تکلیفی سرنوشت‌ساز و حیاتی دارند و اساساً مشروعیت حکومت‌ها را نیز باید با رعایت کرامت بشری و حقوق برگرفته از آن ارزیابی کرد (قماش، ۱۳۹۰: ۸۲). از نظرگاه ادیان الهی، کرامت انسانی تجلی اراده حق تعالی و عطیه مقدسی است که خداوند به انسان عنایت فرموده و هیچ‌کس نمی‌تواند این عطیه الهی را از بشر سلب کند. حرمت و کرامت انسانی حقی مطلق و خدشه‌ناپذیر است که تجاوز به آن را به هیچ روی، نه به نام نظم عمومی و نه به هیچ دستاویز دیگر، نمی‌توان جایز دانست (قربان‌نیا، ۱۳۹۲: ۸۶).

یکی از تبعات منفی آسیب‌پذیری زنان در جوامع کنونی، اعمال اقسام گوناگون خشونت علیه آن‌ها در زندگی خصوصی و عمومی است. خشونت علیه زنان تهدیدی قابل توجه علیه توسعه اقتصادی و اجتماعی به‌شمار می‌رود و در سرتاسر گیتی شیوع دارد. این پدیده همچنین صلح و امنیت را در جوامع به مخاطره می‌افکند، زیرا حقوق و آزادی‌های اساسی و بهداشت و بهزیستی زنان و توسعه ملی را مخدوش می‌سازد (Haaga et al., 2015: 27-28). طبق اعلامیه ۱۹۹۳ ملل متحد در خصوص محو خشونت علیه زنان^۲، مصادیق این پدیده صرفاً محدود و منحصر به خشونت فیزیکی در خانواده نیست و تمامی مظاهر خشونت روانی و جنسی علیه زنان و کودکان مؤنث در جامعه و توسط دولت را نیز دربر می‌گیرد (DEVAW, 1993: 2). کنوانسیون ۱۹۷۹ محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان^۳ در مقدمه خود اشعار دارد که تبعیض علیه زنان اصل برابری حق‌ها و احترام به کرامت بشری را نقض می‌کند (CEFDW, 1979: Introduction).

سوگمندها خشونت علیه زنان پدیده‌ای منحصر به مناطق جغرافیایی یا فرهنگ‌های خاص نیست و با کم و کیف متفاوت در تمامی نقاط جهان به وقوع می‌پیوندد. یکی از مناطق قابل مطالعه در این زمینه، قاره آفریقا است. از این رو، در پژوهش فرارو بر آن شدیم تا به بررسی و تبیین حمایت‌های صورت‌گرفته از زنان در برابر خشونت در پروتکل منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها در زمینه

1. Human Dignity.

2. 1993 UN Declaration on the Elimination of Violence against Women (DEVAW).

3. 1979 Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women (CEFDW).

حقوق زنان در افریقا یا پروتکل مپوتو^۱ به مثابه تنها سند حقوقی الزام آور در خصوص حقوق و جایگاه زنان و منع انواع خشونت علیه ایشان در چارچوب اتحادیه افریقا که مظهر وحدت کشورهای افریقایی است، مبادرت کنیم. پذیرش و تصویب این پروتکل توسط کشورها وفق ماده ۲۶ پروتکل، منتج به خلق یا اصلاح قوانین داخلی شده است. در این زمینه، نخست نگاهی کوتاه به جایگاه حقوق و خشونت علیه زنان در افریقا می افکنیم و سپس به حقوق و حمایت های مندرج در پروتکل مپوتو در خصوص انتظام بخشی قوانین ملی، الزام دولت ها به پیگرد و مجازات مرتکبان و توسعه دامنه این حمایت به مخاصمات مسلحانه می پردازیم. در این مسیر، به فراخور و برای تکمیل بحث، به برخی اسناد کلیدی منطقه ای و بین المللی در حوزه حقوق زنان نیز اشاره خواهیم داشت.

۱. نگاهی به جایگاه حقوق زنان و مسئله خشونت علیه بانوان در افریقا

ارتقای حقوق بشر و حمایت از آن در افریقا جاده ای پر پیچ و خم و اغلب ناهموار بوده است. از گاه مبارزه برای پایان دادن به استیلاي استعمار تا روزگار کنونی، افریقا برای تضمین نظامی حقوق بشری که آمال و آرزوهای مردمش را به حقیقت گره بزند، به جهد و تلاش مبادرت جست (AUC, 2002 & Mbaye, 2016: 6) و در این مسیر شمار چشم گیری از معاهدات، کنوانسیون ها، اعلامیه ها، پروتکل ها و منشورهای حقوق بشری را در حوزه های مختلف و در حمایت از گروه های گوناگون افراد و مردم از تصویب گذرانده است که در تارنمای اتحادیه افریقا قابل دسترسی هستند.^۲ منشور افریقایی حقوق بشر و خلق ها، به عنوان فراگیرترین سند حقوق بشری در قاره افریقا و در چارچوب اتحادیه افریقا و مبنای نظام افریقایی حقوق بشر، در سه مقررۀ خود، به صورت ضمنی و صریح، اهمیت حقوق زنان را مورد شناسایی قرار می دهد. براساس ماده ۲ که بر اصل منع تبعیض تأکید دارد، همه افراد فارغ از نژاد، قومیت، رنگ پوست، جنسیت و ... مستحق بهره مندی از حقوق و آزادی های شناسایی و تضمین شده در منشور حاضر هستند (ACHPR, 1981: 2). در مورد دیگر، ماده ۳ منشور، با اکتفا بر حمایت برابر، مقرر می دارد که همه افراد باید در برابر قانون برابر بوده و از حمایت قانونی برابر برخوردار باشند (ACHPR, 1981: 3 (1)(2)). ماده (۳) ۱۸ منشور، با پوشش دادن حمایت از خانواده، دولت ها را به تضمین محو هرگونه تبعیض علیه زنان و همچنین تضمین حمایت از حقوق زنان را مطابق با مقررات اعلامیه ها و کنوانسیون های بین المللی ملزم می سازد (ACHPR, 1981: 18 (3)).

1. The Protocol to the African Charter on Human and Peoples' Rights on the Rights of Women in Africa (Maputo Protocol)

2. <https://au.int/en/treaties> (accessed on 13 June 2019).

بدیهی است که چنین مقرراتی برای مطمح نظر قرار دادن حقوق زنان کفایت نمی‌کنند. برای نمونه، مقرراتی که صراحتاً حق رضایت به ازدواج و برابری زوجین در طول و بعد از ازدواج را به مثابه یکی از آسیب‌ها و معضلات اصلی زنان در افریقا تضمین کنند، در منشور وجود ندارند. این امر در ترکیب با تأکید منشور بر ارزش‌ها و آداب و رسوم سنتی قاره افریقا (ACHPR, 1981: preamble) و در نتیجه نادیده‌انگاری برخی اقدامات آسیب‌زا همچون ختنه زنان،^۱ ازدواج اجباری و ... که در بافت قاره افریقا امری تقریباً طبیعی هستند، حمایت از حقوق زنان در منشور را به حداقل می‌رساند که بی‌تردید برای رفع نیازمندی‌ها و حفظ منزلت آن‌ها کافی نیست. ناگفته پیداست که چنین وضعیتی، به طریق اولی مقوله خشونت علیه زنان را به محاق فراموشی می‌سپارد و در پیشگیری و مبارزه با آن راه به جایی نمی‌برد. این کاستی‌ها و خلأ موجود در زمینه حقوق زنان، همگام با پیشرفت‌های صورت‌گرفته در حوزه حمایت از حقوق زنان در سطح بین‌المللی همچون تصویب اعلامیه ۱۹۹۳ ملل متحد در خصوص معو خشونت علیه زنان و برگزاری کنفرانس جهانی حقوق بشر وین (۱۹۹۳)،^۲ کشورهای افریقایی و اتحادیه افریقا را به تکاپو انداخت تا چاره‌اندیشی کنند و در مسیر حمایت از زنان و توجه به برابری جنسیتی گام‌های عملی مثبتی بردارند (Voir Boni, 2011).

ماده ۶۶ منشور افریقایی حقوق بشر و خلق‌ها، امکان الحاق پروتکل‌ها و موافقت‌نامه‌هایی را برای تکمیل مقررات خود فراهم آورده است. از این رهگذر کشورهای افریقایی درصدد رفع خلأ موجود در زمینه حقوق زنان برآمدند که نتیجه آن شکل‌گیری پروتکل حقوق زنان در افریقا یا پروتکل ماپوتو به مثابه مهم‌ترین اقدام اتخاذی در راستای ایفای تعهد نسبت به برابری جنسیتی به‌عنوان یکی از اهداف شکل‌گیری اتحادیه افریقا و عملی‌ترین واکنش به خشونت مبتنی بر جنسیت، بود. این پروتکل در ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۳ منعقد گردید و در ۲۵ نوامبر سال ۲۰۰۵ با تحقق گذشت ۳۰ روز از عضویت ۱۵ کشور از اتحادیه افریقا به آن وفق ماده (۱) ۲۹، لازم‌الاجرا شد. تا این تاریخ (هفته پایانی خرداد ۱۳۹۸)، ۵۱ کشور عضو اتحادیه افریقا این پروتکل را امضا، ۳۶ دولت آن را به تصویب رسانده و ۳ دولت نه امضا و نه تصویب کرده‌اند^۳ (African Union Treaties, Conventions,)

1. Female Genital Mutilation (FGM)

2. 1993 Vienna World Conference on Human Rights

این کنفرانس به‌طور رسمی و قاطع اعلام کرد که تمامی اشکال خشونت علیه زنان ناقض حق‌های بشری‌اند و دولت‌ها متعهدند که مساعی مقتضی را به‌منظور پیشگیری از وقوع خشونت‌هایی این‌چنینی، حمایت از بزه‌دیدگان، مجازات مرتکبان و ... به انجام رسانند (Kalantry et al, 2011: Foreword).

۳. شامل مصر، تونس و بوتسوانا.

Protocols & Charters).^۱ پروتکل مزبور با عدم ممنوعیت حق شرط، دولت‌ها را در استثنا کردن برخی مقررات پروتکل مخیر کرده است. بدین ترتیب، شش کشور اقدام به اعمال حق شرط بر پروتکل کرده‌اند.^۲ مقررات پروتکل در سه بخش قابل تقسیم هستند؛ این سند در بخش نخست با اشاره به تعهدات منطقه‌ای و بین‌المللی در خصوص حقوق زنان بر مبنای وجودی خود تأکید می‌کند، در بخش دوم به حقوق و حمایت‌هایی که دولت‌های عضو باید آن‌ها را تضمین و ایفا کنند، می‌پردازد و در بخش سوم نیز اجرای مقررات خود از خلال شیوه و سازوکارهای مقرر را مطمح نظر قرار می‌دهد. این سند حقوقی، گستره وسیعی از حقوق بشری را در چهار گروه حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق بر توسعه و صلح و حقوق جنسی و تولید مثل مقرر می‌دارد و یکی از مترقی‌ترین اسناد حقوقی است که مجموعه فراگیری از حق‌های بشری را برای زنان به رسمیت می‌شناسد؛ به گونه‌ای که به حق می‌توان آن را در حال حاضر منشور افریقایی حقوق بشری زنان^۳ به‌شمار آورد (AUC, 2016: 4). اصلی‌ترین حقوق و حمایت‌های مندرج در پروتکل حقوق زنان را می‌توان این چنین برشمرد: محو تبعیض علیه زنان، حق بر کرامت، حق بر حیات و امنیت شخصی، محو اقدامات آسیب‌زا (ختنه زنان و سایر اعمال سنتی که به زنان آسیب می‌رسانند)، ازدواج شامل جدایی، طلاق و فسخ نکاح، دسترسی به عدالت و حمایت برابر در مقابل قانون، حق مشارکت در فرایندهای سیاسی و تصمیم‌گیری، حمایت از زنان در مخاصمات مسلحانه، حق بر آموزش و پرورش، حق بر رفاه اقتصادی و اجتماعی، حق بر بهداشت و تولیدمثل، حق بر امنیت غذا، حق بر محیط زیست سالم و پایدار، حق بر توسعه پایدار، تضمین حقوق زنان بیوه، حمایت ویژه از زنان سالمند، دارای معلولیت و تنگدست و ... (Oxfam, 2014: 1).

این پروتکل در بخش تعریف مفاهیم خود تعریفی فراگیر از خشونت علیه زنان ارائه می‌دهد. براساس این سند حقوقی، خشونت علیه زنان «عبارت است از تمامی اعمال ارتكابی علیه زنان و از جمله تهدید به ارتكاب چنین اقداماتی که موجب ایراد آسیب جسمانی، جنسی، روان‌شناختی و اقتصادی به آن‌ها می‌شود یا می‌تواند سبب ورود چنین آسیب‌هایی به ایشان شود یا اقدام به تحمیل محدودیت‌های خودسرانه یا محرومیت از آزادی‌های بنیادین در زندگی خصوصی و عمومی در زمان

1. <https://au.int/en/treaties> (accessed on 13 June 2019).

۲. برای نمونه، دولت کامرون اعلام کرده که تصویب پروتکل به منزله پذیرش همجنس‌گرایی، سقط جنین، ختنه اندام جنسی، فاحشگی یا دیگر مسائل ناسازگار با ارزش‌های جهانی، نژادی و معنوی جامعه افریقا نخواهد بود. دولت کنیا نیز مقررات ماده (۳) ۱۰ و (۲) ۱۴ پروتکل را مغایر با قوانین داخلی کنیا پیرامون حقوق سلامت و تولیدمثل دانست. نامیبیا، آفریقای جنوبی، اوگاندا و رواندا دیگر کشورهای اعمال‌کننده حق شرط هستند.

3. African Bill of Rights of Women Human Rights

صلح و در خلال وضعیت‌های مخاصمات مسلحانه و جنگی» (AU, I July 2003: preamble). هر چند این پروتکل به‌طور خاص و انحصاراً به خشونت علیه زنان نمی‌پردازد، ولی با ارائه تعریف از خشونت علیه زنان و از خلال شناسایی برخی اصول و حقوق و حمایت‌ها در خصوص حقوق زنان، که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم با مقوله خشونت علیه آنان مرتبط هستند، امکان پیشگیری و مقابله حقوقی با این اقدام شنیع را در قوانین و سیاست‌های داخلی به‌دست می‌دهد. از این رو، برآنیم تا به اهم حقوق و حمایت‌های مرتبط با محو خشونت علیه زنان در افریقا در این سند افریقایی مرفقی می‌پردازیم؛ به این منظور، می‌توان حائز اهمیت‌ترین کارکردهای حمایتی پروتکل از زنان در برابر خشونت را در چارچوب الزام دولت‌های عضو به انتظام‌بخشی قوانین داخلی، ملزم ساختن دولت‌های عضو به پیگرد و مجازات مرتکبان و توسعه دامنه حمایت از زنان در برابر خشونت به مخاصمات مسلحانه به بررسی درآورد که در زیر در قالب گفتارهایی جداگانه و جهت همت نگارندگان قرار خواهد گرفت.

۲. الزام دولت‌های عضو به انتظام‌بخشی قوانین داخلی

از آنجا که خشونت علیه زنان گونه‌ای تبعیض علیه آن‌ها و نقض حقوق بشر به‌شمار می‌رود (The Geneva Centre for the Democratic Control of Armed Forces, 2005: 5)، دولت‌ها موظف‌اند برای پیشگیری از این قبیل اعمال، پیگرد مرتکبان و حمایت از بزه‌دیدگان، اقدامات مقتضی را به‌عمل آورند (CEDW, 1992: 9; 2010:13 et Voir, Omba Kalonda, 2002:482). پروتکل حقوق زنان در افریقا، در مقدمه خود به این امر اشاره می‌کند که با وجود تصویب منشور افریقایی حقوق بشر و خلق‌ها و سایر اسناد حقوق بشری بین‌المللی توسط بیش‌تر دولت‌های عضو اتحادیه و تعهد آن‌ها مبنی بر محو کلیه اشکال تبعیض و اقدامات آسیب‌زا علیه زنان، زنان افریقایی کماکان قربانیان این قبیل تبعیض‌ها و اعمال هستند (AU, 2003: preamble). با این حال، پروتکل مزبور مقررات ویژه‌ای را در خصوص رفع اشکالات منشور ۱۹۸۱ تدبیر نموده است. در واقع اشکال عمده مقررات منشور، عدم قابلیت الزام به حمایت‌های داخلی کشورهای عضو از زنان است. نتایج پروتکل در دو جنبه نظارتی و تقنینی واجد نوآوری است. از جنبه نظارتی، ماده ۲۶ پروتکل مپوتو، دولت‌های عضو را ملزم می‌سازد تا هر دو سال در گزارش‌های تسلیمی خود، اقدامات اتخاذی برای کاهش خشونت علیه زنان در سطح ملی را اعلام کنند. متعاقب تصویب پروتکل، مجمع عمومی اتحادیه افریقای اجلاس سال ۲۰۰۴ اقدام به صدور اعلامیه رسمی برابری جنسیتی در افریقا کرد. مطابق ماده ۹ اعلامیه مزبور، کشورها ملزم به تبعیت از مقررات پروتکل و گزارش اقدامات اجرایی در این خصوص به کمیسیون افریقایی حقوق بشر و خلق‌ها

1. Solemn Declaration on Gender Equality in Africa (SDGEA), 2004.

به منظور بازبینی و توصیه لازم به کشورها هستند.^۱ کمیسیون مزبور گزارش‌های مربوطه را بررسی و اقدام به ارائه راهکار و توصیه به کشورها می‌کند.^۲

در بُعد تقنینی، پای فشاری پروتکل بر حمایت از زنان در عرصه داخلی مستلزم نمود مقررات آن در قوانین داخلی کشورهای افریقایی است. خصیصه الزام‌آور منشور و پروتکل حقوق زنان این تمایز را با دیگر اسناد حقوق بشری غیرالزام‌آور پیش از خود ایجاد کرده است که حتی در فرض حدوث اضطرار، اجازه تخطی از مقررات را به دولت‌های عضو نمی‌دهند (Ayeni, 2016: 6-7). وفق ماده ۲ پروتکل، دولت‌های عضو ملزم‌اند که از طریق اقدامات مقتضی تقنینی، نهادی و سایر اقدامات، با تمامی اشکال تبعیض علیه زنان به پیکار برخیزند. در این زمینه، آن‌ها می‌بایستی از جمله اصل برابری زنان و مردان را در قوانین اساسی و سایر اسناد تقنینی خود بگنجانند و کارکرد مؤثر آن را تضمین کنند، اقدامات تقنینی یا تنظیمی مقتضی شامل اقداماتی که تمامی اقسام تبعیض و به‌ویژه آن دسته از مناسک و آداب مخاطره‌آمیز برای سلامتی و به‌زیستی کلی زنان را ممنوع می‌سازند و بر آن‌ها لگام می‌زنند را تصویب و به‌صورت کارآمد به اجرا در آورند و در زمینه‌هایی که تبعیض عملی و قانونی علیه زنان کماکان وجود دارد، اقدامات اصلاحی و ایجابی را به انجام رسانند (AU, 2003: 2 (1)(1)(b)(c)(d)(e)).

بنابر ماده فوق، دولت‌های عضو ملزم‌اند مواد مندرج در پروتکل را در قوانین خود پیاده کنند. نمونه بارز این موارد، جرم‌انگاری خشونت جنسی علیه زنان و حمایت متعاقب از زنان آسیب‌دیده است. (AU, 2003: 3, 11-14). بی‌گمان، یکی از طرق مبنایی برای حمایت از زنان، استقرار مراکز بازپروری برای زنان براساس نظام مالی حمایتی است. پاره‌ای از کشورها با الهام از مقررات پروتکل، لوایح قانونی لازم را در این خصوص تدوین کرده‌اند. تصویب لایحه جرایم جنسی و خشونت

۱. تاکنون ۴۸ کشور اقدام به صدور گزارش به کمیسیون مربوطه کرده‌اند. برای نمونه، مصر در گزارش مورخ ۲۰۱۷ به تصویب قوانینی در راستای اجرای پروتکل ماپوتو و دیگر تعهدات حقوق بشری اشاره می‌کند. از جمله این قوانین عبارت‌اند از:

Law No. 11 of 2011 and Law No. 50 of 2014 introducing harsher penalties for crimes of violence against women; Law No. 23 of 2012 for the approval of a health insurance system for dependent women & Law No. 78 of 2016 amending the Penal Code to increase the penalty against FGM, in recognition of the right to bodily integrity and the fight against violence against women.

۲. این کمیسیون نهادی متشکل از یازده عضو به انتخاب مجمع اتحادیه افریقا بوده که عمده فعالیت آن، حمایت و ارتقای حقوق بشر و خلق‌ها و تفسیر منشور ۱۹۸۱ افریقایی حقوق بشر است.

خانگی^۱ در سال ۲۰۱۵ از سوی کشور ای سواتینی (سوازیلند سابق)^۲ از مصادیق این رویکرد است. این کشور متعاقباً اقدام به تأسیس مراکز حمایتی^۳ برای زنان نمود که به ارائه خدماتی نظیر مشاوره روان‌شناسی، معاضدت حقوقی و قضائی و پیشگیری از قرار گرفتن مجدد زنان در معرض خشونت می‌پردازند. مطابق مصوبه مجلس الجزایر در سال ۲۰۱۵، خشونت خانگی علیه زنان مستوجب مجازات حبس تا ۲۰ سال برای شوهر و تضمین حمایت مالی از زنان متأهل آسیب‌دیده است (UNOHCHR, 2016: 31). همچنین، می‌توان به اقدام کنیا در تخصیص یک صندوق کمک مالی به بخش سلامت^۴ برای زنان در مناطق خشک اشاره داشت که تدوین سیاست بهداشت کنیا (۲۰۳۰-۲۰۱۲)^۵ را با هدف ارتقای سطح سلامت عمومی در پی داشت. از آنجا که یکی از آسیب‌های جانکاه خشونت جنسی علیه زنان ابتلای آنان به بیماری ایدز است، پروتکل متضمن خلق حمایت‌های نوینی در این عرصه نسبت به دیگر اسناد حقوق بشری است.^۶ ماده ۱۴ پروتکل، حمایت از زنان در برابر بیماری ایدز را از وظایف دولت‌ها قلمداد می‌کند. البته اقدامات دولت‌ها در پیشگیری از شیوع بیماری ایدز نباید به دیگر حقوق مسلم زنان خدشه وارد سازد. چنان‌که دادگاه عالی نامیبیا در سال ۲۰۱۴ اقدام دولت در عقیم‌سازی اجباری زنان مبتلا به ایدز را ناقض حقوق قانونی زنان تلقی کرد (UNOHCHR, 2016: 26).

برخلاف منشور که مطابق ماده‌ی (۳) ۱۸ تنها در بافت خانواده از زنان حمایت کرده و دیگر ساحت‌های حضور زن که چه بسا در آن‌ها نیازمند حمایت‌های بیش‌تری است را پوشش نمی‌دهد، پروتکل حقوق زنان در افریقا با رفع نقص موجود، خواهان آزادی حضور و فعالیت زنان در سایر عرصه‌های اجتماعی است. علاوه بر بند ۱ ماده ۳ پروتکل که بر لزوم حمایت از حقوق قانونی زنان اصرار دارد، در ماده ۹ ذیل عنوان حق مشارکت در فرایندهای سیاسی و تصمیم‌گیری،^۷ دولت‌های عضو باید اقدامات مثبت ویژه‌ای را برای ارتقای حکمرانی مشارکتی و مشارکت برابر زنان در حیات سیاسی کشورها به‌ویژه در امر انتخابات به انجام رسانند. مطابق ماده ۱۳ پروتکل، دولت‌ها موظف

1. Sexual Offences and Domestic Violence Bill, 2015.

۲. پادشاه این کشور در تاریخ ۳۰ فروردین ۱۳۹۷ خورشیدی طی فرمانی نام این کشور را از سوازیلند که واژه‌ای انگلیسی است به‌عنوان دوران پیش از استعمار آن یعنی ای سواتینی تغییر داد.

3. One Stop Centers.

4. Health Sector Service Fund 2010-2013.

5. Kenya Health Policy (2012-2030).

۶. آن‌گونه‌که ادعا شده است مقررات پروتکل نه‌تنها مکمل کنوانسیون ۱۹۷۹ رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان است، بلکه متضمن قواعد مترقی‌تری است. ر.ک. (Kombo, Sow & Jama Mohamed, 2013: 20).

7. Right to Participation in the Political and Decision-Making Process.

به ارتقای دست‌یابی به اشتغال زنان، دریافت دستمزد برابر با مردان در مشاغل یکسان، جلوگیری از استثمار زنان در محیط کار و ایجاد نظام حمایتی و بیمه‌ی اجتماعی برای زنان شاغل در بخش‌های غیرعادی و زیان‌آور شده‌اند. همچنین، بند ۱ ماده ۱۷ پروتکل مقرر می‌دارد: «زنان باید از حق حیات در بستر مناسب فرهنگی و مشارکت در تمامی سطوح تعیین سیاست‌های فرهنگی برخوردار باشند.» این امور در برخی قوانین کشورهای افریقایی نمود یافته است. برای نمونه، در بوركینافاسو علاوه بر ایجاد تساوی در دست‌یابی زنان و مردان به زمین‌های کشاورزی،^۱ احزاب سیاسی این کشور ملزم به در نظر گرفتن حداقل ۳۰ درصد سهمیه برای زنان در فهرست نامزدهای انتخابات ملی و محلی شده و عدم رعایت این امر سبب کاهش نیمی از بودجه تخصیصی به حزب می‌شود.^۲

دیگر اصل حقوق بشری مندرج در پروتکل حقوق زنان، اصل دسترسی به دادگستری^۳ است. این اصل به منزله فراهم کردن شرایط مناسب و برابر در نیل به عدالت قضائی و دسترسی رایگان به محاکم است (حبیبی درگاه، ۱۳۹۷: ۶۴). حق برابر زنان و مردان در رجوع به مراجع قضائی و دسترسی مؤثر زنان به خدمات قانونی و قضائی از جمله معاضدت قانونی از تمهیدات مقرر در ماده ۸ پروتکل حقوق زنان به شمار می‌آید. در همین زمینه، مطابق بخش‌های پنج و هفت قانون معاضدت قانونی کنیا^۴ نظام خدمات ملی معاضدت قانونی^۵ با صلاحیت طرح شکایت در خصوص اشخاص آسیب‌دیده که توان مالی اقدامات قضائی را ندارند، ایجاد و اجرای طرح‌های معاضدتی و پیشنهاد موضوعات مربوطه به هیئت دولت تشکیل شد. همچنین طبق بخش ۳۰ قانون مزبور، صندوق حمایت قانونی کنیا موظف به پرداخت هزینه‌های مربوط به شکایت افراد آسیب‌دیده است. این قسم از حمایت محدود به دولت‌ها نبوده و نهادهای مدنی نیز واجد اثرگذاری مثبت در این زمینه‌اند. چنانکه برنامه اصلاح بخش قضائی تانزانیا^۶ سازکار قانونی لازم را برای معاضدت قانونی به اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه از جمله زنان با مشارکت نهادهای مدنی فراهم کرده است. قانون وکلای کشور بنین نیز در سال ۲۰۱۰ اقدام به تشکیل صندوق معاضدت قانونی^۷ کرد که بر بهبود عدالت قضائی از طریق اعطای وکیل رایگان به افراد آسیب‌پذیر نیازمند متمرکز است (UNODC, 2016: 78).

1. The Act No. 0034-2009/AN, 24 July 2009.

2. The Act No. 010-2009/AN, 16 April 2009.

3. Access to Justice.

4. Legal Aid Act, No. 6, 2016.

5. National Legal Aid Service.

6. Legal Sector Reform Programme (2005-2008).

7. Legal Aid Fund.

۳. ملزم ساختن دولت‌های عضو به پیگرد و مجازات مرتکبان

پروتکل حقوق زنان در افریقا ذیل ماده ۸ در خصوص دسترسی به عدالت و حمایت برابر در مقابل قانون،^۱ دولت‌ها را ملزم به برقراری تساوی میان زنان و مردان در رجوع به نهادهای قضائی کرده که در این مسیر باید قوانین و رویه‌های تبعیض‌آمیز را به منظور ارتقا و حمایت از حقوق زنان مرتفع کنند (8: AU, 2003). پروتکل در ماده ۳ خود، با شناسایی حق بر کرامت ذاتی برای زنان، دول عضو خود را ملزم می‌سازد تا به اتخاذ و اجرای اقدامات مقتضی در جهت ممنوع‌سازی هرگونه بهره‌کشی و تحقیر زنان دست یابند و اقدامات متناسب را برای تضمین حمایت از حق تمامی زنان بر محترم داشته شدن کرامت و حراست از ایشان در برابر تمامی اشکال خشونت به‌ویژه خشونت جنسی و کلامی، به انجام برسانند (3: AU, 2003). مقررات پروتکل حقوق زنان در افریقا با تصویب داخلی کشورهای عضو، به‌مثابه قوانینی لازم‌الاجرا تلقی شده و در محاکم کشورهای پذیرنده قابل استناد برای صدور حکم هستند. دادگاه قانون اساسی بوركینافاسو در سال ۲۰۰۶ اعلام داشت که ضوابط پروتکل مایوتو در تطابق با قانون اساسی این کشور است. بدین‌منظور، وزارت دادگستری این کشور متعهد شد تا آموزش حقوقی لازم را برای قضات این کشور به‌منظور استناد به معاهدات بین‌المللی در محاکم داخلی فراهم کند. همچنین، بخش حقوق بشری عملیات سازمان ملل در ساحل عاج،^۲ اقدام به برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای قضات این کشور در راستای استفاده قضائی از اسناد بین‌المللی حقوق بشری کرده است (49 & 22: Ayeni, 2016).

مهم‌ترین موضوعی که باید از سوی کشورهای افریقایی در پیگرد و مجازات مرتکبان در راستای حمایت از حقوق زنان مدنظر واقع شود، مقابله با اقدامات آسیب‌زا^۳ علیه زنان است. این امر نتیجه نابرابری جنسیتی و هنجارهای تبعیض‌آمیز اجتماعی، فرهنگی و مذهبی و همچنین سنت‌های مرتبط با موقعیت زنان در خانواده و اجتماع و اعمال کنترل بر آزادی زنان و از جمله جنسیت آنان است (UN DAW, 2011: 3) که از جمله می‌توان به خشونت‌ها و آسیب‌های صورت‌گرفته از سوی مردان نسبت زنان اشاره کرد (76: Smyth, 2002). کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۴ در تفسیر عام شماره ۲۰ خود در سال ۲۰۰۹، آداب و رسوم و رویه‌های مبتنی بر تصورات قالبی جنسیتی را یکی از موانع اصلی بهره‌مندی برابر زنان از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی معرفی می‌کند (20: CESCRs, 2009). همچنین، کنوانسیون ۱۹۷۹ رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، دولت‌ها را به پیکار با تصورات

1. Access to Justice and Equal Protection before Law.

2. Human Rights Division of the United Nation Operation in Côte d'Ivoire (ONUCI).

3. Harmful practices.

4. Committee on the Economic, Social and Cultural Rights (CESCRs).

قالبی مبتنی بر جنسیت، که دستاویز تبعیض جنسیتی قرار می‌گیرند و نیل به برابری ماهوی میان زنان و مردان را مخدوش می‌سازند، ملزم و موظف می‌سازد (CEAFDAW, 1979: 2 (f) & 5 (1)). افزون بر آن، کمیته حقوق زنان، در توصیه‌نامه عام شماره ۲۸ خود در سال ۲۰۱۰، با یادکرد اینکه جنسیت محصول و ثمره اجتماع و فرهنگی است، تغییرپذیری تصورات مربوط به جنسیت به وسیله [تغییر] در فرهنگ و [آداب و رسوم] اجتماعی مربوطه را تصدیق می‌کند (CEDAW, 2010: 5).

مقابله با سنت‌های غلط در حوزه افریقا، در مقدمه‌ی پروتکل ماپوتو نمود یافته که بر محکومیت و حذف هر اقدامی که رشد طبیعی زنان را مخدوش می‌کند یا به مخاطره می‌افکند و توسعه روان‌شناختی و جسمانی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تأکید دارد (AU, 2003: preamble). پروتکل ماپوتو ماده ۵ خود را به محو اقدامات آسیب‌زا^۱ اختصاص داده است. بر این اساس، دولت‌های عضو باید تمامی اشکال اقدامات آسیب‌زا که به گونه‌ای منفی حقوق بشر زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهند و با معیارهای به رسمیت شناخته شده بین‌المللی مغایرت دارند را ممنوع کنند و محکوم سازند. عرف‌های غلط همواره در جوامع افریقایی شایع بوده است. از جمله می‌توان به عدم ممنوعیت تجاوز جنسی زناشویی^۲ در قوانین کامرون اشاره کرد (Aveni, 2016: 42). با این حال، رویکردهای عرفی زیان‌بار در برخی قوانین نظیر قانون اساسی غنا ممنوع شده است.^۳ با وجود نقش سنت‌های غلط در پایمال کردن حقوق زنان افریقایی، در مواردی ممکن است عرف یک کشور هم‌راستا با حفظ و حمایت از حقوق زنان باشد. چنانکه دادگاه کامرون در دعوی در ارتباط با نقش سنت در جامعه،^۴ با نفی سنت نادرست توافق والدین در تعیین قیمت عروس، این سنت جوامع افریقایی که شوهر را نسبت به طرد مادر از خانه یا طلاق وی باز می‌دارد، مورد تأیید قرار داد (Temngah, 1996: 354).

پروتکل ماپوتو در مواردی در مسیر مقابله با سنت‌های غلط گام برداشته است. ماده ۷ پروتکل، زنان و مردان را دارای حق برابر نسبت به درخواست طلاق و فسخ ازدواج کرده و تقسیم اموال متعلق به زمان زوجیت را به نحو تساوی مقرر کرده است. در این زمینه، دادگاه عالی گامبیا در دو دعوا^۵ اعلام داشت که تقسیم اموال مشترک زوجین به نحو تساوی مستند به بخش ۴۳ قانون زنان^۶ این کشور، برگرفته از ماده ۷ پروتکل ماپوتو است (UNDP, 2014: 63). پروتکل همچنین دولت‌های عضو را

1. Elimination of Harmful Practices.

2. Marital rape.

3. Constitution of Ghana, 1992, Arts. 26(2) & 39(2).

4. Immaculate Vefonge v. Samuel Lyonga Yukpe.

5. Matty Faye v DawdaJawara & Karla Keita v Mustapha Dampha.

6. Women's Act, No. 12, 2010.

به تصویب قوانین ملی مقتضی در راستای تضمین انعقاد ازدواج براساس رضایت کامل طرفین ملزم می‌سازد (6: AU, 2003) و به نوعی ازدواج اجباری^۱ را زیر سؤال می‌برد.^۲ از جمله می‌توان به تصویب قانون ازدواج، طلاق و روابط خانوادگی ۲۰۱۵ مالاوی^۳ اشاره داشت که سن قانونی ازدواج را ۱۸ سال تعیین کرد. همچنین، اصلاحیه قانون مجازات ۲۰۰۵ لیبی، برقراری ارتباط جنسی با دختران زیر ۱۸ سال را به مثابه جرم تجاوز تلقی کرده است.^۴ تأکید پروتکل بر این امر به همراه تلاش انجمن‌های حقوق بشری سبب اصلاح قانون مجازات ۲۰۱۴ موزامبیک شد که متجاوزان به عنف را مخیر به ازدواج با قربانی برای فرار از تعقیب کیفری کرده بود.^۵ اهمیت این موضوعات به اندازه‌ای است که دادگاه ویژه سیرالئون^۶ برای اولین بار در تاریخ در ۲۲ فوریه ۲۰۰۸ در پرونده دادستان علیه الکس تامبا بریما، ابراهیم بازی کامارا و سانتیگی بُرپر کانو^۷ ازدواج اجباری را به مثابه جنایتی علیه بشریت به موجب حقوق بین‌الملل کیفری مورد شناسایی قرار داد (6: UNDAW, 2011: quoted in).

دیگر نمونه تأثیر پروتکل مپوتو بر مقابله کیفری کشورهای عضو با نقض حقوق زنان، جرم‌انگاری تمامی اقسام ختنه زنان، تیغ‌زنی،^۸ پزشکی و پیراپزشکی سازی ختنه زنان^۹ و سایر اقدامات ترذیلی در این زمینه است (5: AU, 2003). متعاقباً سیاست تصویب برنامه اقدام ملی منع ختنه زنان در کامرون مصوب ۲۰۱۰،^{۱۰} هرگونه اقدام به ختنه زنان را خلاف شأن و جایگاه والای زنان قلمداد می‌نماید. همچنین، تصویب لایحه اصلاحی ۲۰۱۵ گامبیا در پی رفع ایرادات قانون زنان ۲۰۱۰ این

1. Forced marriage

۲. در چارچوب نظام بین‌المللی حقوق بشر، ازدواج اجباری در ماده‌ی ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ماده ۱۶ کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان ممنوع اعلام شده است (294: p. Zebari, 2013: quoted in).

3. Marriage, Divorce and Family Relations Act, 2015, Section 22(6).

4. Act to Amend the New Penal Code Chapter 14 Sections 14.70 and 14.71 and to Provide for Gang Rape, 2015, Section 1(1)(b).

5. Mozambique Penal Code, 2014, Arts. 400.

6. Special Court for Sierra Leone.

این دادگاه در نتیجه درخواست سال ۲۰۰۰ دولت سیرالئون از سازمان ملل متحد، در سال ۲۰۰۲ و به منظور رسیدگی به جرائم ارتكابی علیه غیرنظامیان و نیروهای حافظ صلح ملل متحد در خلال جنگ داخلی آن کشور (۲۰۰۲-۱۹۹۱) تشکیل شد. برای آگاهی بیشتر در زمینه این دادگاه می‌توانید با تارنمای آن به نشانی الکترونیکی روبرو مراجعه

بفرمائید: <http://www.rscsl.org>

7. The Prosecutor vs. Alex Tamba Brima, Ibrahim Bazy Kamara and Santigie Borbor Kanu (The AFRC-case).

8. Scarification.

9. Medicalization and para-medicalization of female genital mutilation.

10. National Plan of Action for the Elimination of Female Genital Mutilation, 2010.

کشور در پرتو ماده ۵ پروتکل ماپوتو، متضمن تعیین مجازات به میزان سه سال حبس یا ۵۰/۰۰۰ دلاری (پول رایج گامبیا) به عنوان جزای نقدی و یا پیش‌بینی مجازات اعدام در صورتی است که ختنه به مرگ قربانی منتهی شده باشد.^۱ هرچند این مسئله از سال ۱۹۷۹ در اسناد مختلف پیش‌بینی شده است و مکرراً دولت‌ها به جرم‌انگاری و کنترل توصیه شده‌اند، ولی وجه الزام‌آور این سند به‌ویژه در سطح قاره افریقا که چه‌بسا بستر اصلی این قبیل اقدامات باشد، آن را از دیگر اسناد حقوق بشری پیش از خود متمایز و آن را از حالت توصیه‌ای صرف خارج می‌کند. گذشته از این، به‌نظر می‌رسد به‌واسطه اشتراکات فرهنگی و تاریخی، امکان همکاری کشورها در زمینه مسائل حقوق بشری در سطوح منطقه‌ای نسبت به سطح همکاری آن‌ها در ساحت بین‌المللی بیش‌تر است.

علاوه بر مقابله‌ی محاکم داخلی کشورهای عضو پروتکل ماپوتو با خشونت علیه زنان، دادگاه افریقایی حقوق بشر و خلق‌ها نیز در این عرصه به ایفای نقش می‌پردازد. این دادگاه به‌موجب ماده ۱ پروتکل ۱۹۹۸ منشور افریقایی حقوق بشر و خلق‌ها راجع به تأسیس دادگاه افریقایی حقوق بشر و خلق‌ها^۲ که در سال ۲۰۰۴ لازم‌الاجرا گردید، ایجاد شد. ماده ۵ پروتکل ۱۹۹۸ این موقعیت را برای سازمان‌های دولتی و مردم‌نهاد افریقایی ایجاد کرده است که به طرح دعوا در این دادگاه مبادرت کنند. ماده ۳ پروتکل مزبور، صلاحیت دادگاه را محدود به تفسیر و اجرای منشور افریقایی حقوق بشر و دیگر اسناد حقوق بشری مورد تصویب دولت‌ها دانسته است. بر این اساس است که ماده ۲۷ پروتکل ماپوتو، هرگونه اختلاف پیرامون تفسیر و اجرای پروتکل را به این دادگاه محول کرده است. دادگاه افریقایی در ۱۱ مه ۲۰۱۸ متعاقب شکایت مؤسسه حقوق بشر و توسعه در افریقا و انجمن شرکای مالی علیه جمهوری مالی^۳ اظهار داشت که برخی مقررات قانون ۲۰۱۱ خانواده مالی^۴ از جمله مقررات مربوط به سن ازدواج دختران، ازدواج اجباری و حق وراثت در تقابل با پروتکل ماپوتو است. این رأی از آن جهت حائز اهمیت است که برای نخستین بار به اجرای پروتکل ماپوتو در قوانین داخلی کشورها می‌پردازد.

۴. توسعه دامنه حمایت از زنان در برابر خشونت به مخاصمات مسلحانه

به گواهی تاریخ، انسان‌ها در معاوضه حقوق بشر با امنیت، هر دورا از کف داده‌اند. در واقع این گروه‌های آسیب‌پذیری همچون زنان و کودکان بودند که بها و هزینه این انتخاب را با از دست دادن حقوق بشری اولیه خود را پرداختند (گنج‌بخش و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲۳-۱۲۲). فرهنگ

1. Women's (Amendment) Bill 2015, Section 32A.

2. Protocol to the African Charter on Human and Peoples' Rights on the Establishment of an African Court on Human and Peoples' Rights, 1998.

3. APDF & IHRDA v. Republic of Mali.

4. Malian Family code, 2011.

خشونت علیه زنان و دختران در تمام جوامع و همه ازمه شایع بوده است. با وجود این، این مسئله با بر افروخته شدن شعله‌های جنگ و مخاصمات مسلحانه تشدید می‌شود (Zhianpour et al., 2015: 43). زنان به واسطه جنسیت خود، در موقعیت‌های خطرناک و بحرانی، نسبت به مردان در وضعیت آسیب‌پذیرتری قرار دارند. بی‌گمان، بزرگ‌ترین قربانیان وضعیت‌های نظیر مخاصمات مسلحانه، کودکان و زنان هستند. به طور خاص، خشونت و تجاوز جنسی علیه زنان و دختر بیچگان، در طول تاریخ غالباً به‌عنوان راهبردی جنگی برای تخریب غرور و شرافت ملی به‌کار می‌رود که نه تنها فرد قربانی بلکه کل جامعه وی را تحت تأثیر قرار داده و موجبات تخریب فرهنگ و هویت وی را فراهم می‌آورد (خاک، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

در آفریقا نیز خشونت جنسی علیه زنان در خلال درگیری‌های مسلحانه همواره وجود داشته است (voir, Josse: 2007) و از بارزترین مصداق‌های آن در سال‌های اخیر می‌توان به اقدامات غیرانسانی گروه تروریستی و شورشی بوکوحرام علیه زنان در کشور نیجریه و به‌ویژه بخش شمال شرقی آن اشاره داشت (Haaga et al., 2015: 32-33) که به‌نام اسلام و برخلاف آموزه‌های ناب آن به انواع خشونت علیه بانوان دست می‌یازند. این قبیل خشونت‌ها را در درگیری‌های رخ داده در دیگر کشورهای آفریقایی مانند جمهوری دموکراتیک کنگو (اوگاندا و سودان نیز می‌توان مشاهده کرد (International Trade Union Confederation, 2011: 8-33). پروتکل در اقدامی مثبت، دامنه تعهدات دولت‌های عضو خود را به مخاصمات مسلحانه نیز توسعه داده است که می‌توان آن را عملی مترقی در راستای حمایت همه‌جانبه و همیشگی، چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ، از حقوق زنان و حراست از ایشان در برابر خشونت تلقی کرد. وفق ماده ۱۱ این سند حقوقی، دولت‌های عضو ملزم به احترام و تضمین رعایت قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه‌ی قابل‌اعمال در وضعیت‌های مخاصمات مسلحانه که جمعیت و به‌طور خاص زنان را از خود متأثر می‌سازند، هستند (AU, 2003: 11). همچنین دولت‌های عضو باید مطابق با تعهدات خود به‌موجب حقوق بین‌الملل بشردوستانه، در هنگام مخاصمات مسلحانه غیرنظامیان و از جمله زنان را فارغ از جمعیتی که به آن تعلق دارند، مورد حمایت قرار دهند (AU, 2003: 11).

افزون بر این، این ماده از زنان پناهنده نیز حمایت به‌عمل می‌آورد. کمیته محو تبعیض علیه زنان توصیه‌نامه شماره ۳۲ خود اعلام می‌دارد که «خشونت علیه زنان که از اشکال ممنوع تبعیض علیه زنان است، یکی از گونه‌های اصلی اذیت و آزاری است که زنان در موقعیت‌های آوارگی و پناهندگی آن را تجربه می‌کنند» (CEDAW, 2014: 15-16). پروتکل ضمن بیان لزوم التزام دولت‌ها به حمایت از زنان پناهنده در برابر تمامی اقسام خشونت، تجاوز و سایر اشکال بهره‌کشی جنسی، آن‌ها را موظف

می‌کند تلقی چنین اعمالی به‌عنوان جنایات جنگی، نسل‌زدایی و یا جنایات علیه بشریت و محاکمه مرتکبان آن اقدامات در محاکم کیفری ذی‌صلاح را تضمین کنند (AU, 2003, 11). چراکه فلسفه مجازات‌های کیفری در حقوق بین‌الملل کیفری، پاسداری و حفاظت از آن دسته از ارزش‌ها و هنجارهایی است که وجود آن‌ها در قوام و پایداری نظم مطلوب بین‌المللی نقشی اساسی دارد (عزیزی، ۱۳۸۵: ۱۹۸). بی‌تردید خشونت علیه زنان، تجاسر به جایگاه و ارزش والای زن و تهدیدی برای جامعه بشری است؛ باید افرادی که به ارزش‌های بنیادین جامعه بین‌المللی تعرض کرده یا می‌کنند به سزای اعمال خود برسند و مجازات شوند (بیگزاده، ۱۳۷۵: ۱۴۶).

بدیهی است که صرف جرم‌انگاری این موارد به‌مثابه جنایت جنگی یا خشونت علیه زنان نمی‌تواند تضمینی برای عدم تکرار آن‌ها از سوی مرتکبان باشد؛ کما اینکه چنین امری در اسناد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیز به‌چشم می‌خورد. ولی بی‌گمان چنین اقدامی آن هم در یک سند الزام‌آور منطقه‌ای از ضروریات بی‌چون و چرای پیشگیری و مبارزه با اعمال ذی‌ربط و حمایت از زنان در این دست موقعیت‌ها است. به‌نظر می‌رسد تنها به این سبب که جرم‌انگاری این اقدامات در اسناد دیگر کمک‌چندانی به کاهش یا حذف آن‌ها نکرده است، نمی‌توان حکم به سودمند نبودن درج آن در سندی دیگر کرد. راست است که نبود ضمانت‌اجراهای کارآمد را می‌بایست چشم‌اسفندیار حقوق بین‌الملل در کل و حقوق بین‌الملل بشر به‌طور خاص دانست، ولی چنین می‌نماید که اقدامات تقنینی و جرم‌انگاره‌ای از این دست، با گام برداشتن در مسیر دیگر اسناد بین‌المللی، هم‌بستگی و توانمندی جامعه جهانی برای مبارزه با اقدامات شنیع برشمرده شده در بالا تقویت می‌کند.

با توجه به آنچه مختصراً درخصوص پروتکل حقوق زنان در افریقا درخصوص مسئله خطیر خشونت علیه زنان آمد، به‌راستی می‌توان آن را یکی از مترقی‌ترین اسناد حقوق بشری راجع به زنان دانست که در شمار قابل‌توجهی از مفاد خود علل و پیامدهای خشونت علیه زنان را خاطر نشان ساخته و در راستای محو آن‌ها تعهدات ایجابی مختلفی را بر دولت‌های عضو خود بار کرده است. در این زمینه، لزوم رفع تبعیض علیه زنان، تحقق برابری جنسیتی و محو آداب و مناسک و اقدامات آسیب‌زا به حال زنان به‌مثابه بنیان‌ها و ضروریات حتمی محو خشونت علیه زنان، از محورهای اصلی پروتکل ماپوتو به‌شمار می‌آیند. انعقاد این پروتکل، در صورتی که از سوی کشورهای عضو آن در قاره افریقا به‌گونه‌ای مناسب به اجرا درآید، می‌تواند به تدریج و با همراهی دیگر سازوکارهای اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ...، موجبات کاهش نگرش‌های تبعیض‌آمیز و نابرابری جنسیتی ناشی از آن و همچنین اقدامات مضر برای زنان که بر آداب و رسوم سنتی مبتنی هستند را فراهم و یکی از عوامل

توسعه همه‌جانبه و امنیت اجتماعی جوامع، یعنی شکوفایی توانمندی‌های بالقوه‌ی زنان که خشونت و عدم تحقق حقوق بشری آن‌ها مانع اصلی آن هستند، را برای قاره‌ی افریقا به ارمغان آورد.

نتیجه

مبارزه، پیشگیری و کاهش خشونت علیه زنان مستلزم وجود التزام و اعتقاد راسخ و اسناد متقن الزام آور در سطوح جهانی، قاره‌ای و ملی است. در این میان، سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر به طور عام و حقوق زنان به خاص، با توجه به همگرایی علی‌الاصول بیشتر کشورها در سطح منطقه‌ای تا جهانی به واسطه عوامل مختلف همانند اشتراکات فرهنگی و تاریخی و ...، می‌توانند نقش چشمگیری در القا و ترویج ایده جهانی رعایت، حمایت و تضمین حقوق و پاسداشت کرامت زنان و منع هرگونه عامل و مانع مخرب در این مسیر از جمله خشونت علیه ایشان به کشورهای حوزه تحت نفوذ خود داشته باشند. زنان در قاره افریقا به لحاظ فقر تحمیلی اقتصادی و فرهنگی ناشی از سال‌ها سرکوب و ستم‌پیشگی دولت‌های استعمارگر اروپایی، از آسیب‌پذیری چندوجهی رنج می‌برند و همین امر موجبات افزایش تبعیض و نابرابری مبتنی بر جنسیت علیه آنان را فراهم آورده و انواع خشونت‌های شرم‌آور جسمانی، روانشناختی، کلامی، جنسی و ... را بر این انسان‌های بی‌دفاع تحمیل کرده است.

پروتکل منشور افریقایی حقوق بشر و خلق‌ها راجع به حقوق زنان در افریقا، بذر امید را در دل سرشار از درد و رنج زن افریقایی کاشت و مشعل پاسداشت جایگاه و کرامت او را روشن نگاه داشت. این سند مترقی حقوق بشری، که به‌راستی شایسته عنوان منشور افریقایی حقوق زنان است، در جای جای مفاد خود مسئله سوگ‌آور انواع خشونت علیه زنان را مطمح نظر قرار داده و در راستای محو آن به مثابه برابری تبعیض و نابرابری جنسیتی و تصورات قالبی درخصوص زنان، تعهداتی متقن را بر دولت‌های عضو خود که جملگی از اعضای اتحادیه افریقایی هستند بار کرده است. مفاد پروتکل در قوانین اساسی و مقررات داخلی کشورهای عضو وارد شده و هم‌اکنون مقرراتی درخصوص خشونت جنسی و خشونت مبتنی بر جنسیت، حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی زنان و اصل برابری و حق منع تبعیض در قوانین اساسی، سیاست‌گذاری‌ها و قوانین عادی کشورهای قاره سیاه درج شده‌اند. امری که می‌تواند در کنار دیگر اقدامات مقتضی و درازمدت به توجه هرچه بیشتر به امور مرتبط با زنان و تغییر در و کاهش رویکردهای تبعیض‌آمیز علیه بانوان در این کشورها بینجامد. از جمله مهم‌ترین کارکردهای حمایتی این پروتکل را می‌توان الزام دولت‌های عضو به محو تبعیض علیه زنان و تحقق برابری جنسیتی در راستای رفع خشونت علیه آن‌ها، ملزم ساختن دولت‌های عضو به محو اقدامات آسیب‌زا به مثابه مصادیق خشونت علیه زنان و پیگرد و مجازات مرتکبان و توسعه دامنه حمایت از زنان به مخصصات مسلحانه در راستای منع خشونت علیه آنان دانست. از این رهگذر و در صورت اجرای مناسب پروتکل حاضر توسط کشورهای افریقایی، می‌توان

به آینده حقوق زنان و جایگاه اجتماعی و کرامت بشری ایشان امیدوار بود. هر چند در راستای تحقق پذیرفتنی حقوق بشری زنان و محو خشونت علیه ایشان در افریقا مسیری طولانی را باید طی کرد، ولی پروتکل ماپوتورا به‌راستی می‌تواند یک نقطه عطف و سنگ بنایی محکم در نیل به این امر خطیر دانست. به‌نظر می‌رسد که این پروتکل می‌تواند گامی بزرگ در راستای تدوین یک سند منطقه‌ای افریقایی در حوزه پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان در قاره افریقا باشد و به‌عنوان الگوی منطقه‌ای و با اعمال و مدنظر دادن خصایص فرهنگی و تاریخی محلی، مورد توجه و استفاده مناطقی همچون غرب آسیا و کشورهای غیر افریقایی خاور میانه قرار بگیرد. چه بسا با لحاظ اقتضائات ملی و مذهبی، بتوان از مفاد و سازوکارهای مربوطه پروتکل ماپوتو در تکمیل یا اصلاح لایحه‌ی تأمین امنیت زنان در برابر خشونت در جمهوری اسلامی ایران نیز بهره گرفت.

منابع

فارسی

- بیگزاده، ابراهیم (۱۳۷۵)، «سازمان ملل متحد و محاکم کیفری بین‌المللی»، تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸: ۱۴۶-۳۹.
- حبیبی درگاه، بهنام (۱۳۹۷)، «مفهوم اصل دسترسی به دادگستری، ویژگی و جلوه‌های آن»، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۱۰، شماره ۱: ۹۰-۶۱.
- خاک، روناک (۱۳۸۷)، «جرم‌انگاری خشونت جنسی در حقوق بین‌الملل کیفری»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست و پنجم، شماره ۳۹: ۱۴۶-۱۰۱.
- عزیزی، ستار (۱۳۸۵)، حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، همدان: نشر نور علم.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۹۰)، حقوق بشر در جهان معاصر؛ دفتر یکم (درآمدی بر مباحث نظری: مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع)، چ سوم (دوم ناشر)، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- قربان‌نیا، ناصر (۱۳۹۰)، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، چ دوم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قماش، سعید (۱۳۹۰)، «کرامت انسانی راهبرد نوین سیاست جنایی»، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره جدید، شماره ۱، صفحه ۹۰-۷۷.
- گنج‌بخش، محمود؛ رضا موسی‌زاده و حسین آل‌کجباف (۱۳۹۵)، «حمایت از زنان قربانی ترور در حقوق بین‌الملل: در پرتو مفهوم نظم اجتماعی و بین‌المللی»، مطالعات زن و خانواده، دوره ۴، شماره ۱: ۱۳۸-۱۱۳.

انگلیسی

- AU (2003), Protocol to the African Charter on Human and Peoples' Rights on the Rights of Women in Africa; Available at: <http://www.achpr.org/instruments/women-protocol/>
- African Union Commission, July 2016, 2016: African Year of Human Rights; With a Focus on the Rights of Women, Addis Ababa: AU Echo.
- African Union Commission (2017), African Union Handbook 2017; A Guide for Those Working With and Within the African Union, Addis Ababa: African Union Commission and New Zealand Ministry of Foreign Affairs and Trade. Available at: www.au.int&www.mfat.govt.nz.
- - Ayeni, Victor Oluwasina (ed.) (2016), The Impact of the African Charter and the Maputo Protocol in Selected African States, Pretoria: Pretoria University Law Press (PULP).
- - CEDAW (1992), General Recommendation No. 19: Violence against Women, U.N. Doc. A/47/38.
- - CEDAW (2010), General Recommendation No. 28: the Core Obligations of States Parties under Article 2 of the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women, CEDAW/C/2010/47/GC.2.
- CEDAW (2014), General Recommendation No.32: the Gender-related Dimensions of Refugee Status, Asylum, Nationality and Statelessness of Women, CEDAW/C/GC/32.

- CESCRs (2009), General Comment No. 20: Non-Discrimination in Economic, Social and Cultural Rights (Art. 2, Para. 2 of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, UN. Doc.E/C.12/GC/20.
- Council of Europe (2011), Convention on Preventing and Combating Violence against Women and Domestic Violence (Istanbul Convention), Treaty Series - No. 210. Available at:
- www.coe.int/t/dghl/standardsetting/equality/03themes/violenceagainstwomen/Exp_memo_Conv_VAW_en.pdf.
- Haaga, Paul T., Aja, Elechi F. & Chukwemeka, Okoye A. (2015), "Violence against Women and Its Implications for Peace and Security in Nigeria", International Journal of Peace and Conflict Studies, Vol. 2, No. 3: 27-40.
- International Trade Union Confederation (2011), Violence against women in Eastern Democratic Republic of Congo: Whose responsibility? Whose complicity?, available at: https://www.ituc-csi.org/IMG/pdf/ituc_violence_rdc_eng_lr.pdf
- Kalantry, Sital et al. (2011), Combating Acid Violence in Bangladesh, India and Cambodia (Report), New York: Avon Global Center for Women and Justice at Cornell Law School and the New York City Bar Association.
- Kombo, Brenda; Sow, Rainatou & Jama Mohamed, Faiza (2013), Journey to Equality: 10 Years of the Protocol on the Rights of Women in Africa, Nairobi: Solidarity for African Women's Rights.
- OAU (1981), African Charter on Human and Peoples' Rights, available at: <http://www.achpr.org/instruments/achpr/>
- OAU (2000), Constitutive Act of the African Union, available at: <https://au.int/en/constitutive-act>
- Oxfam (2014), Implementing the Protocol on the Rights of Women in Africa: Analysing the Compliance of Kenya's Legal Framework, available at: <http://www.eldis.org/document/A70003>
- Temngah, Joseph N. (1996), "Customary Law, Women's Rights and Traditional Courts in Cameroon", Revue générale de droit, Vol. 27, No. 3: 349-356.
- The Geneva Centre for the Democratic Control of Armed Forces (2005), Women in an Insecure World; Violence against Women, Facts, Figures and Analysis, edited by Marie Vlachova and Lea BIASON, Geneva: Geneva Centre for the Democratic Control of Armed Forces.
- UN Division for the Advancement of Women (2009), Harmful Traditional Practices against Women and Legislation, EGM/GPLHP/2009/EP.07.
- UN Division for the Advancement of Women (2011), Supplement to the Handbook for Legislation on Violence against Women; "Harmful Practices" against Women, New York: UN Publications.
- UNDP (2014), National Review Report on The Beijing Declaration and Platform for Action-Beijing Plus 20 (The Republic of The Gambia), Torodo Chambers & Emanic Consulting Co. Ltd, Final Report: 1-93.
- UN General Assembly (1979), Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women (CEDAW), Resolution 34/180.
- UNODC (2016), Global Study on Legal Aid: Country Profiles, New York: United Nations.
- Zebari, Dildar F. (2013), "Forced Marriage and International Human Rights", International Journal of Humanities and Management Sciences, vol. 1, Issue 5: 293-295.

- Zhianpour, Iman; Arashpour, Alireza & Shekarchizadeh, Mohsen (2015), "Humanitarian Protection of Women in Armed Conflicts", Mediterranean Journal of Social Sciences, vol. 6, no. 3 S2: 40-49.

فرانسه

- Boni, S. T. (2011), Que vivent les femmes d'Afrique?, KARTHALA Editions.
- Josse, E. (2007), Violences sexuelles et conflits armés en Afrique, Savoirs et Formation
- Mbaye, K. (1992), Les droits de l'homme en Afrique, A. Pedoné.
- Omba Kalonda, J. C., 2012, "Violence sexuelle au Congo-Kinshasa: nécessité de la dépenalisation de l'avortement", Revue médicale de Bruxelles, 33(5), 482-486.
- Smyth, A. (2002), "Résistance féministe à la violence masculine contre les femmes. Quelles perspectives?". Nouvelles questions féministes, 21(2): 76-92.